

فرهنگیختگان

سرانجام بعد از تهدیدهای متعدد تروئیکای اروپایی، درخواست فعال‌سازی «مکانیسم بازگشت تحریم‌ها» یا همان «مکانیسم ماشه» را به شورای امنیت سازمان ملل دادند تا تیر خلاصی نیز به پیکره حقوقی برجام زده باشند. مطابق بندهای غروب برجام، اگر این پیکره حقوقی تا سال دهم پس از امضا یعنی اکتبر ۲۰۲۵ (مهر ۱۴۰۴) زنده می‌ماند، قطعنامه‌های شش‌گانه تحریمی سازمان ملل علیه ایران که از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به تصویب رسیده بودند، به‌طور خودکار لغو می‌شد. این بند غروب که مهم‌ترین بند برجام بود باعث می‌شد تا اکتبر به زمان انقضای مکانیسم ماشه معروف شود. بعد از خروج آمریکا از برجام پیش‌بینی می‌شد که اروپا تا دقیقه نود این اهرم فشار را بالای سر ایران نگه دارد و نهایتاً نیز پیش از منقضی‌شدن، آن را فعال کند. اگرچه شروع فرایند فعال‌سازی به معنی شلیک ماشه نیست و مکانیسم به‌طور رسمی زمانی فعال می‌شود که شورای امنیت به تمدید لغو تحریم‌های ضدایرانی رأی ندهد، اما نفوذ کشورهای غربی در شورای امنیت سازمان ملل و همچنین بهره‌مندی آن‌ها از امکان وتو هرگونه قطعنامه به نفع ایران باعث می‌شود فعال شدن این مکانیسم طی یک ماه آینده کاملاً قطعی به نظر برسد.

فرایند فعال‌سازی مکانیسم ماشه چیست؟

هرکدام از طرف‌های برجام، به‌جز آمریکا که رسماً از آن خارج شده است، می‌تواند شکایت نقض تعهدات را به «کمیسیون مشترک برجام» (مشکل از نمایندگان ایران و ۱۰۵) ارائه دهد. کمیسیون مشترک ۱۵ روز فرصت دارد تا مسئله را بررسی و حل کند. این مدت می‌تواند با توافق طرف‌ها تمدید شود. اگر مشکل حل نشود، موضوع به وزرای خارجه طرف‌ها یا یک هیئت مشورتی ارجاع می‌شود که ۱۵ روز دیگر برای تصمیم‌گیری فرصت دارند. در صورت ادامه اختلاف، کمیسیون پنج روز دیگر برای تلاش نهایی فرصت دارد. اگر بعد از این ۳۵ روز همچنان اختلاف حل نشود، موضوع به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع می‌شود. شورای امنیت ۳۰ روز فرصت دارد تا قطعنامه‌ای برای ادامه روند «تعلیق تحریم‌ها» صادر کند. اگر شورای امنیت نتواند قطعنامه‌ای برای ادامه تعلیق تحریم‌ها تصویب کند (به دلیل رأی ناکافی اعضای شوراپا وتو)، تحریم‌های پیشین سازمان ملل به‌طور خودکار بازمی‌گردند. این فرایند به «مکانیسم ماشه» معروف است، زیرا بازگشت تحریم‌ها تقریباً خودکار است. فعال شدن مکانیسم ماشه منجر به بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران می‌شود، بدون آنکه ایران بتواند آن را وتو کند؛ زیرا ایران عضو دائم شورای امنیت نیست، ضمن آنکه حتی اگر قطعنامه تمدید تعلیق تحریم‌های ایران رأی کافی نیز به دست بیاورد

فرایند مکانیسم ماشه با هدف تحت فشار گذاشتن تهران آغاز شد، اثرواقعی آن چیست؟

بمب صوتی اروپا

–که بعید است– باز هم کشورهای غربی دارای حق وتو در شورای امنیت یعنی آمریکا، انگلیس و فرانسه خواهند توانست آن را وتو کنند. این یعنی هیچ شانس‌ی برای خنثی کردن ماشه وجود ندارد. تنها نکته محل ایراد در اقدام کشورهای اروپایی این است که آن‌ها اکنون بدون طرح اعتراضات در کمیسیون مشترک برجام و نیز در سطح وزرای خارجه، موضوع را مستقیماً به شورای امنیت برده‌اند تا فرایند فعال‌سازی تحریم‌های ضدایرانی را تسریع کنند. این رویه ضدبرجاسی که بدون طرح در کمیسیون برجام از جانب کشورهای اروپایی در پیش گرفته شده، به یک خدعه دیپلماتیک شبیه است و باعث شده تا دیپمتری پولیانسکی، معاون نماینده روسیه در سازمان ملل متحد، این‌گونه واکنش نشان دهد: «شورای امنیت نباید بر اساس نامه تروئیکای اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران اقدامی انجام دهد.»

چه تحریم‌هایی بازمی‌گردند؟

قطعنامه ۱۶۹۶ نخستین قطعنامه‌ای است که در سال ۲۰۰۶ از ایران خواست فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند. پس از این، در همان سال و طی قطعنامه ۱۷۳۱ تحریم‌های اولیه علیه افراد، نهادها و فعالیت‌های هسته‌ای ایران وضع شد. در سال ۲۰۰۷ طی قطعنامه ۱۷۴۷ دامنه تحریم‌ها گسترش یافت و محدودیت‌هایی بر صادرات سلاح اعمال شد و از تمامی کشورها خواسته شد فعالیت خود با شرکت‌های ایرانی فعال در حوزه انرژی هسته‌ای را محدود کنند. در

مکانیسم ماشه برای تهاجم نظامی و تحریم نفتی مشروعیت حقوقی ایجاد نمی‌کند

با اقدامات نظامی نیست، حتی در خود قطعنامه‌ها صراحتاً قیدشده کسی نمی‌تواند از این قطعنامه‌ها برای استفاده از زور علیه ایران استفاده کند.

خود برجام هم با تعبیر ظریف ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد است

در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت که توافق برجام را تأیید می‌کند تمام مفاد آن نیز ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم است. برخی ادعا دارند با تصویب برجام تمام قطعنامه‌های ضدایرانی ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد لغو شده و این یعنی از نظر آن‌ها صرفاً مرتبط بودن قطعنامه‌ها با ماده ۴۱ به معنی ذیل کل فصل هفتم بودن آن‌هاست. درحالی که ذیل فصل هفتم بودن تعبیر کلی‌تری دارد و شامل حمله نظامی نیز می‌شود. تعبیر دقیق‌تر این است که قطعنامه‌های ضدایرانی ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم است و کسانی که با ادعای لغو قطعنامه‌های ذیل فصل هفتمی قصد دارند این‌گونه القا کنند که سایه جنگ را از سر کشور برداشته‌اند، اول اینکه باید توجه داشته باشند اساساً قطعنامه‌های ضدایرانی هیچ‌یک به ماده ۴۲ –که حمله نظامی را توجیه می‌کند– مرتبط نیست و دوم اینکه اگر همین نظر مدعیان را بپذیریم با این منطق قطعنامه ۲۲۳۱ که پس از امضای برجام و با هدف تأیید آن امضا شده نیز ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم به تصویب رسیده، بنابراین برجام نیز فصل هفتمی محسوب می‌شود، پس مدعیان نباید بگویند ایران را از ذیل فصل هفتم خارج کرده‌اند، چون با تعریف آن‌ها حتی قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام نیز فصل هفتمی محسوب می‌شوند اما برخلاف چنین نظرانی قطعنامه‌های ضدایرانی از ابتدا

ذیل کل فصل هفتم منشور ملل متحد نبوده و همانطور که تشریح شد صرفاً ذیل ماده ۴۱ فصل هفتم منشور ملل متحد تعریف می‌شوند.

تحریم‌های نفتی در قطعنامه‌های ۶گانه نیست

سؤال بعدی این است که آیا با بازگشت قطعنامه‌ها فروش نفت ایران به صفر می‌رسد یا در تبادلات ارزی با مشکل مواجه خواهیم شد؟ به‌گونه‌ای که هیچ کشوری نتواند با ما تبادل ارزی انجام دهد و در نهایت، شوک ارزی یا افزایش قیمت دلار رخ دهد. در این مورد هم ارجاع می‌دهم به متن قطعنامه ۱۹۲۹ که آخرین و بدترین قطعنامه شورای امنیت علیه ایران است. در هیچ‌کدام از بندهای تصمیمات این قطعنامه که از شماره یک تا بیش از ۳۰ شماره‌گذاری شده‌اند، اشاره‌ای به این نیست که ایران حق فروش نفت ندارد، سقفی برای فروش نفت تعیین شده یا بانک مرکزی ایران تحریم شده و امکان تبادل مالی و ارزی وجود ندارد. تحریم نفت و تحریم بانک مرکزی هیچ‌گاه جزء تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران نبوده‌اند که حالا بخواهیم نگران باشیم با بازگشت قطعنامه‌ها چین از ما نفت نخرد یا پولمان را ندهد. این تحریم‌ها (نفت

و ارز) همگی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا یا

سال ۲۰۰۸ طی قطعنامه‌های ۱۸۰۳ و ۱۸۳۵ دامنه تحریم‌ها به حوزه اقتصاد کشیده شد و فعالیت‌های بانکی ایران محدود شد. نهایتاً در سال ۲۰۱۰ سخت‌گیرانه‌ترین تحریم‌های ضدایرانی ذیل قطعنامه معروف ۱۹۲۹ وضع شد که تحریم تسلیحاتی کامل، محدودیت بر بانک مرکزی، کشتیرانی و بازرسی محموله‌ها را شامل می‌شد. با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، این قطعنامه‌های تحریمی که در مسیر لغو قرار داشتند مجدداً در دستور کار قرار گرفته و اصطلاحاً تحریم‌های بین‌المللی ضدایرانی احیا می‌شوند. اگرچه بازگشت این تحریم‌های بین‌المللی بی‌تأثیر نیست و بساب بهانه‌جویی‌های بیشتر علیه ایران را باز می‌کند، اما بخش زیادی از تحریم‌های قیدشده –و حتی شدیدتر از آن– هم اکنون بدون فعال‌سازی مکانیسم ماشه، به صورت یک‌جانبه توسط آمریکا و اروپا علیه ایران اعمال می‌شود و ایران با توجه به این تحریم‌ها مسیرهای پنهان رفع تحریمی را دنبال می‌کند. همچنین در مورد فروش نفت و دستیابی به ارز حاصل از آن، هیچ‌گونه تحریمی در قطعنامه‌های شش‌گانه وجود ندارد و فعالیت‌های کنونی علیه فروش نفت ایران توسط آمریکا و اروپا صرفاً در چهارچوب تحریم‌های یک‌جانبه محسوب می‌شود. ایران نیز با وجود این تحریم‌ها فروش نفت خود را دنبال کرده و به ارز حاصل از صادرات نفت نیز خارج از سازوکارهای مالی جهانی دست پیدا می‌کند. از این پس نیز همین روند ادامه خواهد یافت و اتفاق تازه‌ای در این حوزه رخ نخواهد داد.

تحریم‌های چندجانبه اتحادیه اروپا بوده‌اند و هیچ‌گاه جزء تحرم‌های بین‌المللی شورای امنیت قرار نداشته‌اند. این تحریم‌ها همین حالا هم در حال اجرا هستند و بازگشت قطعنامه‌ها چیز جدیدی به این دو بخش اصلی تحریم‌ها اضافه نمی‌کند. تحریم‌های شورای امنیت شامل موارد دیگری بوده، بنابراین این ادعا که با بازگشت قطعنامه‌ها، فروش نفت ایران به صفر می‌رسد یا قیمت دلار به‌شدت افزایش می‌یابد، شاید بار روانی ایجاد کند و قیمت دلار را بالا ببرد اما از نظر فنی، اتفاق ویژه‌ای در حوزه ارز یا فروش نفت ما رخ نخواهد داد.

تحریم‌هایی که به آن دچار می‌شویم چیست؟

در مورد تحریم‌ها بخشی از آن‌ها مستقیماً افراد، شرکت‌ها و نهادهای مرتبط با برنامه هسته‌ای یا حوزه تسلیحاتی و موشکی ایران را هدف قرار می‌دهد. بخش دیگر تحریم‌ها که عمومی‌ترند، شامل موضوعات تسلیحاتی، کشتیرانی، بیمه و موارد مشابه می‌شود. اما نکته مهم این است که دو مؤلفه اصلی تحریم که اقتصاد ایران اکنون از آن‌ها رنج می‌برد، یعنی تحریم فروش نفت و تحریم دریافت ارز حاصل از فروش نفت هیچ‌کدام در قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران وجود ندارند. موضوع دیگر این است که در صورت بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت، در وضعیتی قرار می‌گیریم که همه محموله‌های دریایی و هوایی ایران بازرسی خواهند شد، محموله‌هایمان توقیف می‌شوند و در این زمینه با مشکلات زیادی مواجه خواهیم شد. برای توضیح این موضوع دوباره به متن قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت استناد می‌کنم که جامع‌ترین قطعنامه تحریم علیه ایران است. در این قطعنامه ذکر شده کشورها اجبار نشده‌اند که محموله‌های ایران را توقیف یا بازرسی کنند، بلکه صرفاً به کشورها مجوز داده شده در صورتی که اطلاعات موثق داشته باشند، مبنی بر اینکه محموله‌ای متعلق به ایران شامل کالاهایی با مصرف دوگانه (مانند موارد مرتبط با برنامه هسته‌ای یا اگر اشتباه نکنم، حوزه موشکی) است می‌توانند آن کشتی یا محموله را بازرسی کنند، بنابراین اولاً هیچ اجباری برای کشورها در نظر گرفته نشده که موظف به انجام این کار باشند. دوم اینکه این اقدام منوط به وجود اطلاعات موثق است که معمولاً به‌دست آوردن چنین اطلاعاتی به این سادگی امکان‌پذیر نیست. ما تجربه ۶ساله اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ را از سال ۲۰۰۹ (زمان تصویب آن) تا سال ۲۰۱۶–۲۰۱۵ (زمان اجرای برجام) داریم. در این بازه ۶ساله، هیچ موردی وجود ندارد که نشان دهد محموله‌های ایران توقیف شده‌اند؛ مواردی مثل توقیف کشتی ایران توسط انگلیس یا موارد مشابه در جاهای دیگر، مربوط به بعد از برجام است. در آن بازه زمانی ۶ ساله، هیچ‌کشوری چنین اقدامی انجام نداد و این نشان می‌دهد کشورها عملاً این بندهای قطعنامه را اجرا نکردند. علاوه بر اینها در یکی دو مورد که کشتی‌های ایران توقیف شدند، ما اقدام متقابل انجام دادیم. این باعث شده ریسک توقیف یا بازرسی محموله‌های مرتبط با ایران برای کشورها بسیار بالا باشد. در شرایط عادی هم کشورها تمایلی به انجام این کار نداشتند و حالا به‌طریق اولی با توجه به شرایط کنونی انگیزه‌ها برای انجام چنین اقدامی کاهش خواهد یافت. بنابراین باید توجه داشت بازرسی یا مصادره محموله‌ها در عمل به آن معنا اجرایی نمی‌شود.

